



# نظام انتخاباتی فرانسه

اسماعیل همایونی

انتخاباتی غیر مستقیم و محدود سانسیتور دوباره توسط هیئت مدیره (Directoire) (قانون اساسی ۵ فروکتیدور (Fructidor) سال سوم) در ۱۷۹۵ تجدید شد.

انتخاب کنندگان یا رأی دهندگان به دو دسته درجه اول و درجه دوم تقسیم می شدند. برای رأی دهنده درجه اول بودن، فرد می بایست مالیات پرداخت می کرد یا شغل نظامی می داشت. انتخاب کنندگان درجه دوم می بایست درآمد بالایی داشته باشند، که بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ روز کاری تعیین می شد، بسته به نوع مورد. علاوه بر این، برای انتخاب شدن، می بایست حداقل سی سال سن برای مجلس پانصد نفره (Conseil des Cinq-Cents) و چهل سال برای مجلس قدیم (Conseil des Anciens) داشت.

این نظام رأی گیری در آن زمان، یعنی در اوج تحولات انقلاب فرانسه، یکی از بزرگترین تناقضات انقلابی بود که به این وضوح، چنین تبعیضی را بین مردم فرانسه، آن هم برای حق انتخاب، که ابتدایی ترین و بنیادی ترین خواسته انقلاب بود، تنها به استناد توانایی مالی اعمال کرد. این نوع رأی گیری در نهایت به سود لیبرالها، سرمایه داران و بورژوازی تمام شد. یعنی طبقه ای که بعدها و پس از نابودی طبقه سلطنت طلب و اشراف در فرانسه، جای آنها را گرفت و به اصلی ترین نیروی راست در طیف بندی سیاسی فرانسه تبدیل شد.

## ۱۷۹۹: انتخابات عمومی برای مردها اما محدود

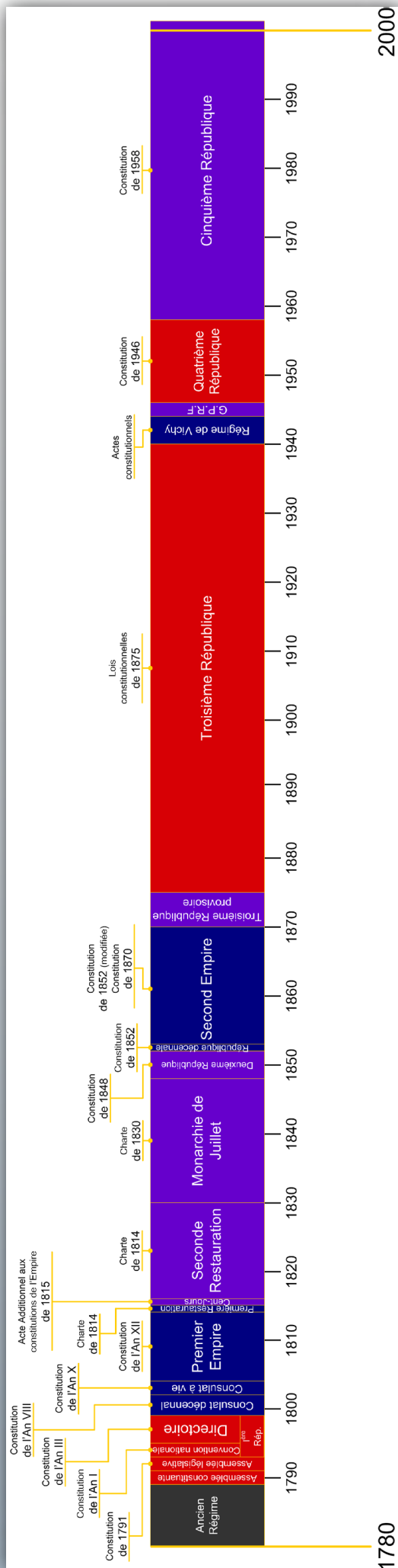
قانون اساسی ۲۲ فریمر (Frimaire) سال هشتم (۱۳ دسامبر ۱۷۹۹) رژیم کنسولی (Consulat) را تأسیس کرد. نظام انتخاباتی حق رأی دادن را برای همه مردان بالای ۲۱ سال که بیش از یک سال در قلمرو فرانسه (کشور و مستعمرات) اقامت دارند، اعلام کرد و نظام سانسیتور کنار گذاشته شد. اما این حق توسط سیستمی موسوم

نظام انتخاباتی فرانسه از سال ۱۷۹۱ تا به امروز، بارها از نظر وسعت انتخابات یعنی عمومی بودن یا محدود بودن انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و نیز مستقیم یا غیر مستقیم بودن انتخابات تغییر یافته است. در این بازه زمانی بیش از دویست ساله، تحول نظام انتخاباتی فرانسه چند گام و مرحله را پشت سر گذارده است. حق رأی زنان، حق رأی نظامیان، حق رأی مردم مستعمره نشین فرانسه، حق رأی جوانان (افراد زیر ۲۱ سال) و در آخر حق رأی اتباع اتحادیه اروپا در انتخابات اروپا و سپس شهرداری ها.

## ۱۷۹۱: انتخابات غیرمستقیم

قانون اساسی ۳ سپتامبر ۱۷۹۱، یک سلطنت مشروطه محدود به قانون اساسی را ایجاد کرد. در این رژیم، حاکمیت متعلق به ملت، اما حق رأی دادن محدود بود. نوع رأی گیری، موسوم به نظام سانسیتور (censitaire) است. طبق این نظام رأی گیری، فقط مردان بالای ۲۵ سال که مالیات مستقیم (cens) را با ارزش سه روز کاری، پرداخت می کنند واجد شرایط برای رأی دادن هستند. این میزان پرداخت مالیات به حدی زیاد بود که در آن زمان تنها نود هزار مرد صلاحیت رأی دادن داشتند. آنها «شهروندان فعال» نامیده می شدند. دیگران، «شهروندان غیر فعال» و نمی توانستند در انتخابات شرکت کنند. حق انتخاب نیز غیر مستقیم بود زیرا شهروندان فعال تنها می توانستند انتخاب کنندگان (électeur) طبقه دوم را مشخص کنند، که آنها به مراتب درآمد بالاتری نیز داشتند و در نهایت نمایندگان مجلس را انتخاب می کردند.

پس از یک دوره کوتاه برای انتخابات مجلس کنوانسیون (مجلس فرانسه از سال ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۵ که کل امور اجرایی و قانون گذاری را در دست داشت) که به صورت رأی گیری عمومی بود، نظام



به لیست های معتمد (listes de confiance) محدود می شد. انتخابات در سه مرحله بود: در مرحله اول، رأی دهندگان در یک حوزه شهری، یک دهم از خود را به عنوان لیست معتمد شهری بر می گزیدند. سپس در مرحله دوم، اعضای لیست معتمد شهری، یک دهم از میان خود را به عنوان لیست معتمد استانی انتخاب می کردند. در مرحله سوم اعضای لیست معتمد استانی، یک دهم از میان خود را به عنوان لیست معتمد ملی انتخاب می کردند. در نهایت نمایندگان مجلس سنا که عضویت مادام العمر در این مجلس را داشتند، انتخابات مجالس قانون گذاری (Corps Législatif و Tribunat) را انجام می دادند. هر چند حق رأی برای مردها به این صورت عمومی شد ولی مردم هنوز نمایندگان خود را مستقیماً انتخاب نمی کردند.

### ۱۸۱۵: نظام سانسیتور

شکست ناپلئون در واترلو (۱۸ ژوئن ۱۸۱۵) منجر به سقوط قطعی امپراتوری و بازگشت سلطنت شد. رأی گیری عمومی لغو و رأی گیری سانسیتور دوبار اجرا شد. فقط مردان بالای سی سال که مالیات مستقیم به مقدار ۳۰۰ فرانک می پرداختند حق رأی داشتند. برای انتخاب شدن، نامزد می بایست بیش از ۴۰ سال می داشت و حداقل ۱۰۰۰ فرانک مالیات مستقیم می پرداخت.

از جمعیت سی میلیونی فرانسه در آن زمان، تنها صد هزار نفر، یعنی یک درصد واجد شرایط رأی دادن می شدند. به نود و نه درصد دیگر مردم که افراد فقیر و کارگران را شامل می شد، اصطلاحاً پرولتاریا (prolétariat) گفته می شد. پس از انقلاب سه روز پر شکوه (Trois Glorieuses) (۲۷، ۲۸ و ۲۹ جولای ۱۸۳۰)، که به سلطنت ژوئیه ختم شد، نظام رأی گیری هنوز سانسیتور بود، ولی مقدار مالیات مورد نیاز برای انتخاب کنندگان از ۳۰۰ به ۲۰۰ فرانک یا ۱۰۰ فرانک برای موارد خاص و از هزار به ۵۰۰ فرانک برای انتخاب شدن (قانون ۱۹ آوریل ۱۸۳۱) کاهش یافت. به همین ترتیب، سن حداقل برای رأی گیری از ۳۰ به ۲۵ سال و برای انتخاب شدن از ۴۰ به ۳۰ سال کاهش یافت. تعداد مردان واجد شرایط رأی دادن به دویست هزار نفر افزایش یافت.

### ۱۸۴۸: رأی گیری عمومی مردان

جنبش انقلابی که در فوریه ۱۸۴۸ آغاز شد، سلطنت ژوئیه را پایان داد و جمهوری دوم را تأسیس کرد. در انتخابات ۵ مارس ۱۸۴۸، رأی دهندگان همه شهروندان مذکر بیش از ۲۱ سال فرانسوی، که از حقوق مدنی و سیاسی خود برخوردار بودند را شامل می شد. حق انتخاب شدن به هر انتخاب کننده ای که بیش از ۲۵ سال سن داشت، اعطا می شد. رأی مخفی بود.

### ۱۹۴۴: حق رأی زنان و رأی عمومی

از اولین انتخابات در فرانسه زنان در هیچ انتخاباتی حق رأی نداشتند. این محرومیت زنان از حق رأی در دیگر کشورها نیز وجود داشت. اولین کشور زنانه بود که در ۱۸۹۳ حق رأی زنان را پذیرفت. استرالیا در ۱۹۰۱ اولین کشور در قرن بیستم، فنلاند در ۱۹۰۷ اولین کشور اروپایی، کانادا در ۱۹۱۷ اولین کشور امریکایی بود. برای این محرومیت طولانی مدت زنان دلایلی از قبیل ضعف بدنی، ناتوانی در اتخاذ تصمیم و انتخاب صحیح به خاطر دور بودن از جامعه در پی اشتغال به وظایف مادرانه و همسرانه، تاثیر پذیری زنان و... ذکر شده است. اما در اروپا یا کشورهایی که توسط نظام های اروپایی اداره می شد، نظیر مستعمرات، علت اصلی و قانونی محرومیت زنان از رأی دهی این بود که زنان



طبق قانون تابع مرد و جزء متعلقات مرد بودند. از این رو زن قانونا مایملک و مملوک مرد به حساب می آمد و از مرد پیروی می کرد. این رویکرد خنده دار و ظالمانه به ماهیت زن در نظام سیاسی و قانونی اروپا در فرانسه تا سال ۱۹۴۴ ادامه داشت. در فرانسه تا سال ۱۹۶۵ زنان برای اشتغال بیرون از منزل، ملزم به اجازه شوهر بودند. در انگلیس هر چند در سال ۱۹۲۸ حق رأی به زنان داده شد ولی تا سال ۱۹۷۰ این مسئله در مجلس کشور مورد بحث بود. برای همین رأی زن عملا و قانونا رأی همسر او بود که به وی به علت این رابطه تملیکی، تسلط داشت. حال مردان متاهل دو رأی یعنی رأی مرد به اضافه رأی زنش و مردان مجرد تنها یک رأی داشتند. در فرانسه پس از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸، فعالیت‌هایی توسط مبارزان حق رأی زنان (suffragette) انجام شد، اما با مخالفت مجلس سنا به شکست انجامید. در فرمان ۲۱ آوریل ۱۹۴۴ دولت موقت جمهوری فرانسه، امضا شده توسط شارل دو گل، به زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داده و زنان فرانسوی برای اولین بار در انتخابات شهرداریها در آوریل ۱۹۴۵ رأی دادند.

۱۹۴۵: حق رأی به نظامیان در فرمان ۱۷ اوت ۱۹۴۵ به نظامیان حق انتخاب کردن (نه انتخاب شدن) مشابه با سایر شهروندان داده شد، که از سال ۱۸۷۲ از آنها گرفته شده بود. آنها تحت شرایط خاصی واجد شرایط انتخاب شدن هستند.  
 ۱۹۴۶-۱۹۵۶: رأی برابر در سرزمین های خارجی پس از پایان جنگ جهانی دوم، مجلس موسسان که به تدوین قانون اساسی جدید فرانسه می پرداخت (گذار از جمهوری سوم به جمهوری چهارم)، در برابری حق رأی مردم کشور فرانسه با مردم مناطق فرایابی فرانسه

(مستعمرات و متعلقات فرانسه در آن زمان) در تردید بود. قانون ۷ مه ۱۹۴۶ (loi Lamine Guèye) اعلام می کند که همه اتباع امپراتوری استعماری فرانسه شهروند فرانسوی به شمار می آیند که قبل از این مردم بومی مستعمرات شهروند فرانسوی به حساب نمی آمدند. اما کماکان برابری رأی مردم فرانسوی و مردم بومی مستعمرات، به علت وجود دو کالج انتخاباتی کاملا برقرار نمی شود. قانون ۲۳ ژوئن ۱۹۵۶ (loi-cadre Defferre) است که رأی عمومی و تک کالجهی را در مستعمرات ایجاد می کند. به اعتقاد مورخین، اگر این برابری رأی مردم فرانسه با مردم بومی مستعمرات زودتر اعمال شده بود، فرانسه امکان حفظ مستعمرات خود را داشت.

۱۹۷۴: حق رأی جوانان  
 رئیس جمهور والرئیسکار دستن (Valéry Giscard-d'Estaing)، قانون ۵ ژوئیه ۱۹۷۴ را به تصویب مجلس گذراند که طبق آن سن رأی دهی از ۲۱ سال به ۱۸ سال کاهش یافت.

۱۹۹۲: تولد شهروندی اتحادیه اروپا  
 بر پایه پیمان ماستریخت (Maastricht)، هر شهروند اروپایی که دارای ملیت یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا باشد، می تواند در انتخابات شهرداریها و انتخابات اروپایی، در همان حوزه اقامت خود رأی دهد. یعنی یک آلمانی می تواند در انتخابات شهرداری لیون فرانسه رأی دهد، با این وجود، مبتنی بر قانون اساسی فرانسه، این گونه شهروندی در انتخاب شدن، دارای محدودیتهایی می باشد. برای نمونه نمی تواند به عنوان شهردار یا معاون شهردار انتخاب شود.



**میدان باستیل - ستون ژوئیه - بنای یاد بود انقلاب ۱۸۳۰**

**متن لوح پایه ستون:**

به یاد شهروندان فرانسوی که سلاح در دست گرفتند و برای دفاع از آزادی در سه روز ۲۷، ۲۸ و ۲۹ ژوئیه ۱۸۳۰ نبرد کردند.

A LA GLOIRE  
 DES CITOYENS FRANCAIS  
 QUI S'ARMERENT ET COMBATTIRENT  
 POUR LA DEFENSE DES LIBERTÉS PUBLIQUES  
 DANS LES MEMORABLES JOURNÉES  
 DES 27·28·29 JUILLET 1830





# Le Petit Journal

Le Petit Journal

5 CENTIMES

SUPPLÉMENT ILLUSTRÉ

5 CENTIMES

ABONNEMENTS

CHAQUE JOUR - 6 PAGES - 5 CENTIMES

Le Petit Journal agricole, 5 cent. ~ La Mode du Petit Journal, 10 cent.

Administration : 61, rue Lafayette

Le Petit Journal illustré de la Jeunesse, 10 cent.

Les manuscrits ne sont pas rendus

On s'abonne sans frais dans tous les bureaux de poste

	SIX MOIS	UN AN
SEINE et SEINE-ET-OISE..	2 fr.	3 fr. 50
DÉPARTEMENTS.....	2 fr.	4 fr. »
ÉTRANGER.....	2 50	5 fr. »

Dix-neuvième Année

DIMANCHE 17 MAI 1908

Numéro 913



روزنامه به تاریخ ۱۹۰۸

فعالان حق رأی زنان در حال اقدام اعتراضی با واژگون کردن صندوق آرا در انتخاباتی که تنها مردان رأی می دهند

## L'ACTION FEMINISTE

Les « suffragettes » envahissent une section de vote et s'emparent de l'urne électorale